



ضرورت احیای بازدارندگی مردمی

تحلیلی درباره جنگ ۱۲ روزه و پیشنهادهایی برای پیروزی

علیرضا کدیور

تیر ۱۴۰۴

نسخه کوتاه

خلاصه

این نوشتار تلاش می‌کند تا زمینه‌های آسیب‌پذیری ایران در جنگ اخیر را مورد بررسی قرار دهد و چهارچوبی کلی برای رفع آن‌ها و تقویت بنیان‌های امنیت ملی کشور برای مقابله با تهدیدهای آینده پیشنهاد دهد.

بسیاری از ناکارآمدی‌هایی که منجر به آسیب‌پذیری‌های امنیتی در سطح کشور شده، ریشه در عملکرد نظام مدیریت و نهاد سیاست دارند. ضعف نهاد سیاست در دو دهه گذشته یکی از بیماری‌های مزمنی است که بنیان امنیت ملی ایران را تحت تاثیر قرار داده و درمان آن نیاز به راهکاری مشخص و آشکار دارد. بسیاری از مسائل و نیازمندی‌های موجود مانند از بین بردن نفوذ و افزایش ابتکار عمل در سیستم سیاسی بدون احیای آن، در عمل قابل تحقق نیست.

ایده اصلی این مقاله، احیای ساختار مسئولیت و ارتقای مفهوم امنیت ملی در چارچوب افزایش مشارکت سیاسی است و در همین راستا در انتهای آن، پیشنهاد شده تا به منظور فعال‌سازی بازدارندگی مردمی، چهار پرسش مختلف برای گرد هم آوردن گروه‌های مختلف مردم، به صورت مستقیم از ایشان پرسیده شود.

نسخه تفصیلی این مقاله را در وبسایت مجله تحلیلی دقیقه مطالعه کنید:

d-mag.ir/p20986

فهرست

۳	مقدمه
۴	ناتوانی سیستماتیک در حذف نفوذ
۴	متمرکز ساختن نیروهای مسلح بر امور دفاعی
۵	بازنگری در راهبرد امنیت ملی
۵	توسعه صنایع دفاعی درون کشور
۵	توسعه نیروی نظامی در عمق استراتژیک ایران
۵	ابتکار عمل و احیای ساختار مسئولیت
۶	مشارکت سیاسی و تغییر
۸	مسئله پیش روی کشور
۹	مراجعه به آرای مردمی و احیای بازدارندگی
۱۱	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقدمه

ایران با از خودگذشتگی مردم و جان‌فشانی فرزندان ایشان در نیروهای مسلح، از جنگ ۱۲ روزه سربلند بیرون آمد. این روزها افکار عمومی بیش از هر موضوع دیگری به آینده جنگ فکر می‌کند: عملکرد کشور در مقابله با تهدیدهای بعدی چگونه خواهد بود؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است زمینه‌های آسیب در این جنگ را صریح و بی‌پرده مورد بررسی قرار دهیم و برای بر طرف کردن آن‌ها راهکارهای مشخص پیشنهاد کنیم. برای تحلیل درست شرایط و مهم‌تر از آن، برای تحقق آرمان‌ها، پیش از هر چیز به واقع‌گرایی نیاز داریم. اما اتکای بیش از حد به گفتمان‌هایی مانند «جنگ روایت‌ها»، قوه فاهمه سیستم را بیمار کرده و امکان نگاه واقع‌گرایانه برای پی‌بردن به نقاط آسیب‌پذیر و بهره‌برداری به اندازه و درست از فرصت‌ها و دستاوردها را از آن گرفته است.

این مسئله توانایی تصمیم‌گیری و تغییر را در سیستم به شدت تحت تاثیر قرار داده و انباشتی از مسائل به وجود آورده که برخی از آن‌ها در جنگ بیش از پیش نمایان شده و صحنه جنگ را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

ناتوانی سیستماتیک در حذف نفوذ

نزدیک دو دهه است که مسئله نفوذ در سطوح مختلف حکومت ایران مطرح می‌شود. اما این مسئله با گذشت زمان تنها حل نشده بلکه چنانچه از افزایش ترورها در سال‌های اخیر و به ویژه ترورهای فرماندهان در روزهای نخست تجاوز اسرائیل و قرارگاه‌های عملیاتی اسرائیل در خاک ایران برمی‌آید، ریشه دوانده و تشدید شده است. مسئله نفوذ در لایه امنیت و حفاظت چند نتیجه منطقی دارد:

- شکست در شناسایی عوامل اسرائیل در سطوح بالا و لایه‌های عملیاتی
- شکست در مدیریت مبادی مرزی برای جلوگیری از ورود از ادوات و تجهیزات نظامی (فساد)
- عدم تمرکز کافی روی مقابله با تهدیدهای خارجی و اشتغال بر مسائل داخلی

از سوی دیگر، از آنجا که نفوذ در لایه‌های امنیتی و اطلاعاتی، سخت‌تر از بخش‌های دیگر حکومت است باید حضور و اثرگذاری این جریان را در بخش‌های دیگر نظام نیز مفروض گرفت. اشکال در ورودی سیستم، نشان‌دهنده دو نکته مهم است:

- وجود افراد ناکارآمد و فاسد در حکومت
- شکست نظام گزینش و احراز صلاحیت
- شکست سیستم‌های نظارت

مقابله با نفوذ به هیچ عنوان به شناسایی و حذف عوامل نفوذی محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند اقداماتی است که اثرگذاری این جریان را نیز تضعیف کند.

دستگاه‌های اطلاعاتی نقشی حیاتی در نظام حکمرانی دارند و اشکال در آن‌ها به معنای اختلال قوه ادراک نظام خواهد بود. سیستم فعلی اگر بخواهد از همبستگی به وجود آمده استفاده کند و بنیان امنیت ملی را برای مواجهه با تهدیدهای بعدی تقویت کند - با این کارنامه - از توانایی و صلاحیت کافی برای این کار برخوردار نیست و برای توانمندسازی نیاز به تغییرات جدی دارد.

متمرکز ساختن نیروهای مسلح بر امور دفاعی

برای حفظ پشتوانه مردمی و تقویت امنیت ملی، باید مرز روشنی میان نیروهای مسئول امنیت داخلی و نیروهای مدافع در برابر تهدید خارجی ایجاد کرد و از ورود سپاه و دیگر نهادهای نظامی به سیاست، اقتصاد و برخورد با اعتراضات پرهیز نمود.

بازنگری در راهبرد امنیت ملی

راهبرد کلان امنیت ملی ایران در دهه‌های اخیر دو پایه داشته است: توسعه صنایع دفاعی درون کشور و توسعه نیروی نظامی در عمق استراتژیک آن.

توسعه صنایع دفاعی درون کشور

راهبرد توسعه صنایع دفاعی در حوزه صنایع موشکی به صورت تحسین‌برانگیزی موفق عمل کرده اما در صنایع دیگر چنین عملکردی مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر، فقدان حضور موثرتر جنگ‌افزارهای پیشرفته‌تری مانند سامانه‌های پدافندی و هواپیماهای جنگنده برای دفاع از حوزه سرزمینی ایران کاملاً محسوس بود.

توسعه نیروی نظامی در عمق استراتژیک ایران

توسعه نیروی نظامی در عمق استراتژیک ایران با این استدلال انجام شد که برای حمله به ایران بازدارندگی ایجاد کند. اما این هدف نه تنها تأمین نشد، بلکه عوارض دیگری مانند فاصله گرفتن برخی کشورهای منطقه از ایران را نیز در پی داشت.

این سیاست نیازمند بازنگری است و یکی از راه‌های بازنگری در آن، بسط مفهوم وطن در تاریخ و جغرافیای منطقه و باز تعریف هویت ملی در ایران است. یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای سیاست جدید، اتکای بیشتر ایران بر نیروی مردم خود و اصرار بر حق تعیین سرنوشت برای حمایت از حقوق مردم فلسطین و تشدید تقابل فرهنگی و معنایی با اسرائیل و در نهایت بازسازی چهره بین‌المللی کشور است. ایران باید ظرفیت‌های جدیدی را در این زمینه فعال کند و امکانات بیشتری برای استفاده از دیپلماسی در دنیا نیز داشته باشد. توضیحات بیشتر در [نسخه تفصیلی مقاله](#) آمده است.

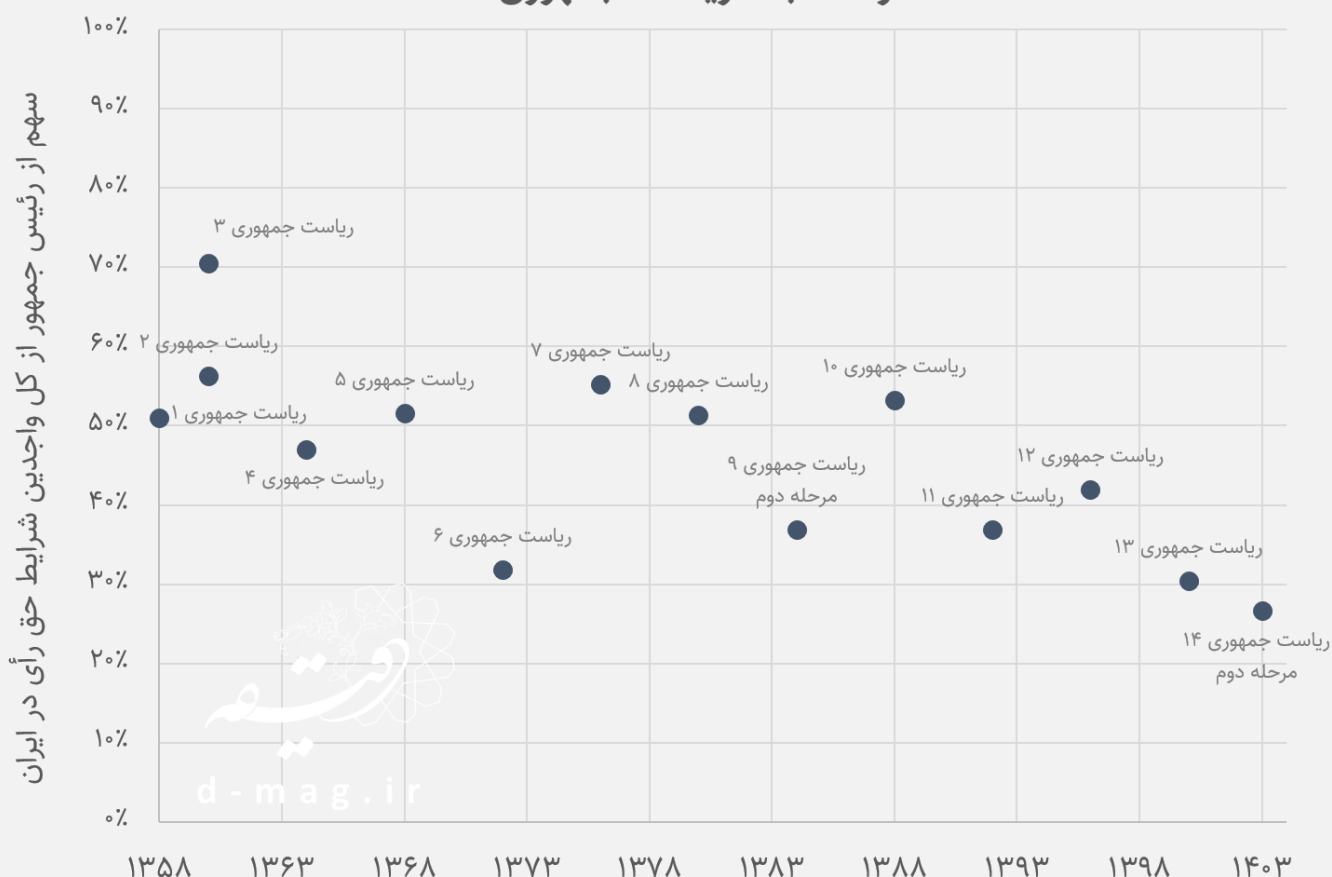
ابتکار عمل و احیای ساختار مسئولیت

نگاهی تاریخی‌تر به ناکامی‌ها و زمینه‌های موثر در آن‌ها نشان از وجود برخی عوامل مزمن مانند اشکال در «ساختار مسئولیت» و فقدان «ابتکار عمل» دارد - عواملی که در گذشته نیز اجازه اقدامات موثر را به سیستم نداده است. «ابتکار عمل» و «ساختار مسئولیت» با «تغییر» در سیستم احیا می‌شوند. بدون تغییرات علنی و آشکار، سیگنال کافی در برای احیای مفهوم مسئولیت در سیستم مخابره نمی‌شود. تنها احیای ساختار مسئولیت، می‌تواند ابتکار عمل را در مسئولان ارشد کشور برای حل مسائل موجود بازایی کند.

مشارکت سیاسی و تغییر

مهم‌ترین نقش نهاد انتخابات این است که مشروعیت نظام را به صورت متناوب روزآمد کند و با به وجود آوردن تغییر و تحرک در سیستم به مسئولان ارشد کشور، توانایی و ابتکار عمل دهد. اما این نهاد دو دهه است که بیمار شده و شاخص‌های کلان عملکرد آن، نشان از افول قابل توجه دارد.

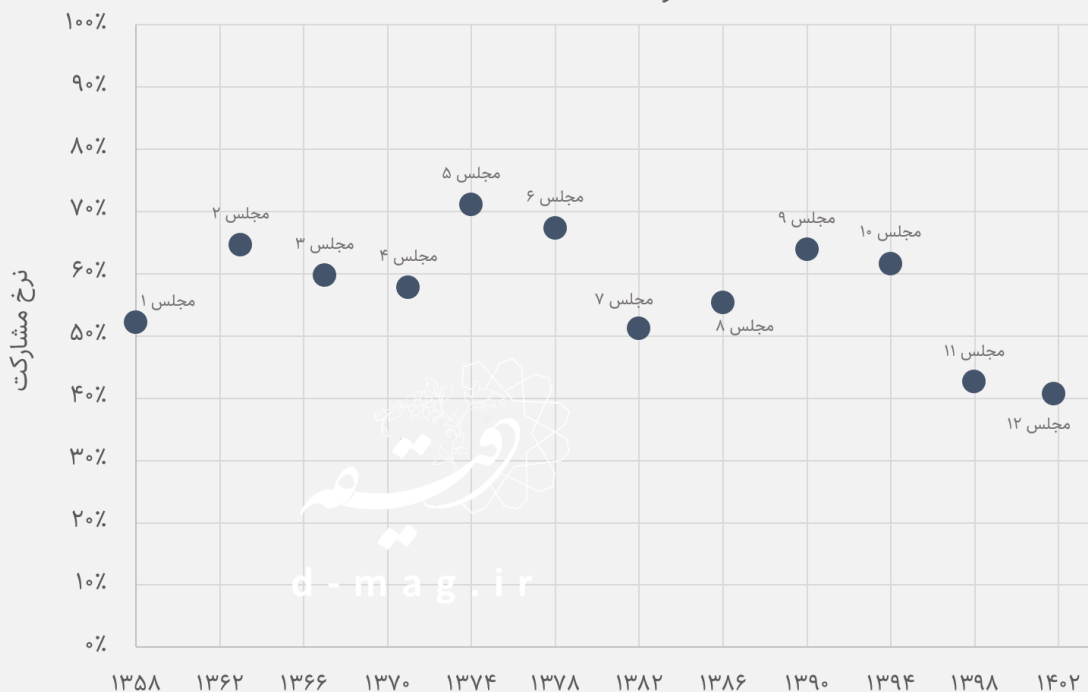
روند تغییرات درصد رأی رئیس جمهوری از آمار کل واجدین شرایط در انتخابات ریاست جمهوری



اگر بیست سال پیش، رئیس جمهور با رأی بیش از ۵۰٪ واجدین شرایط انتخاب می‌شد، پشوانه مردمی رئیس جمهور در آخرین انتخابات به ۲۷٪ کاهش یافته است. نرخ مشارکت در انتخابات مجلس از حدود ۷۰٪ در نیمه دوم دهه هفتاد به ۴۰٪ در آخرین انتخابات مجلس رسیده است.

روند تغییرات نرخ مشارکت در انتخابات مجلس

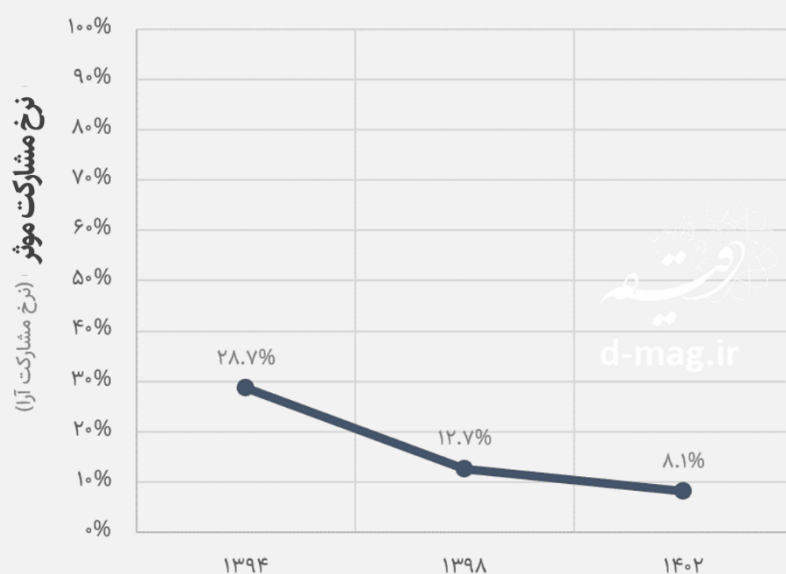
از ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲



نرخ مشارکت در انتخابات مجلس در شهر تهران، در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۲ به ترتیب ۲۵٪ و ۲۴٪ و [نرخ مشارکت موثر](#) به ترتیب ۱۲٪ و ۸٪ بوده است. به عبارت دیگر، نمره عملکرد نهاد انتخابات مجلس در پایتخت سیاسی و پرجمعیت‌ترین شهر ایران ۸ از ۱۰۰ است.

کاهش مستمر نرخ مشارکت مردم تهران در انتخابات مجلس

از ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲



وضعیت در سایر شهرهای بزرگ ایران نیز تفاوت فاحشی با تهران ندارد. به عنوان نمونه نرخ مشارکت در انتخابات مجلس در سال ۱۴۰۲ در شهرهای مشهد، اصفهان، تبریز و شیراز به ترتیب ۴۰٪، ۳۹٪، ۲۷٪ و ۲۵٪ بوده و نرخ مشارکت موثر در آن‌ها به ترتیب ۲۰٪، ۱۴٪، ۱۸٪ و ۱۴٪ بوده است.

در حال حاضر تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس - به ویژه در میان نمایندگان کلان‌شهرها - با اتکا به رأی کمتر از ۵٪ از واجدین شرایط برای کشور قانون وضع می‌کنند.

عملکرد نهاد انتخابات در ایران حتی با حداقل نمره قبولی نیز فاصله زیادی دارد. در دو دهه گذشته ایده‌های گوناگونی برای مقابله با نزول سیاست داخل به کار گرفته شد اما در بلندمدت هیچ کدام نتوانست جلوی افول آن را بگیرد و متأسفانه باید گفت نهاد سیاست نیز در ایران شکست خورده و در حال حاضر توانایی و ابتکار عمل کافی برای حل مسائل پیش رو و تقویت بنیان‌های امنیت ملی برای ایستادگی در برابر تهاجم بیگانه را ندارد.

شاخص اصلی پشتوانه مردمی نظام پشتوانه رأی نمایندگان مردم در دولت و مجلس است و شواهد دیگری مانند حضور در فضای مجازی و راهپیمایی و نظرسنجی تنها فرعی بر آن است. شاخص عملکرد نهاد سیاست رأی است. آیا انتظار واقعا داریم با اتکا به این شاخص‌های عملکرد بتوان مسائل امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روابط بین‌الملل، انرژی، آب و ... را در کشور حل کرد؟!

مسئله پیش روی کشور

کشور در شرایط پیچیده و پرمخاطره‌ای قرار دارد و باید خود را برای مواجهه قدرتمند با تهدید خارجی آماده کند. مسئله پیش روی ما در حال حاضر به اختصار عبارت است از

۱. **سیستم دفاع موشکی ایران** قدرت تخریب قابل توجهی دارد و همین سطحی از بازدارندگی را ایجاد می‌کند. باید با تقویت سایر ابعاد دفاعی به هر قیمتی از آن حراست کرد و اجازه تحدید یا حمله به آن را به هیچ مزدور و دشمنی نداد.
۲. **مجموعه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی** در مأموریت‌های خود شکست خورده‌اند و باید تغییرات زیادی در آن‌ها صورت بگیرد (پدیده نفوذ باعث می‌شود در تمامی پروژه‌های مهم کشور، اخلاص صورت بگیرد. در نتیجه در هر طرحی باید مسائل مربوط به خنثی‌سازی تأثیرات آن لحاظ شود. به عنوان نمونه حتی اگر طرح‌های دیگری مانند توسعه سلاح هسته‌ای - فارغ از مسائل اخلاقی و البته به‌حق مرتبط با آن - در دستور کار قرار بگیرد، نمی‌توان بدون حل مسئله نفوذ، گامی به پیش برداشت).
۳. **نظام گزینش و احراز صلاحیت** در ایران کارآمدی ندارد و باید تغییرات زیادی در آن‌ها صورت بگیرد تا سیستم بتواند قابلیت حل مسئله را در خود بازیابی کند و در دفاع از کیان کشور درست عمل کند.
۴. **راهبرد توسعه نظامی در عمق استراتژیک** ایران که یکی از ستون‌های بازدارندگی کشور به شمار می‌رفته شکسته شده و نیاز فوری به **نوعی بازدارندگی جایگزین و راهبرد تازه** وجود دارد.
۵. **سیستم سیاسی و نهاد انتخابات** بعد از دو دهه افول با استناد به آمار با حداقل نمره قبولی فاصله زیادی دارند و کارایی لازم را ندارند. در نتیجه، نمی‌توانند مشروعیت و ابتکار عمل کافی برای حل مسائل پیش رو به وجود بیاورند.

نگاهی به مسائل پیش رو نشان می‌دهد که برخورد ساده‌انگارانه و تکرار تاکتیک‌های قبلی چقدر می‌تواند برای همه ما فاجعه‌بار تمام شود. دشمنان ایران، اکنون بیش از گذشته برای وارد کردن ضربات سخت به کشور انگیزه دارند و از سرمایه‌گذاری روی هیچ نقطه ضعیفی فروگذار نخواهند کرد.

پس از ایستادگی ستودنی مردم در برابر تجاوز، فرصتی کم‌نظیر برای بازتعریف پروژه‌های ملی و بازیابی توان حل مسئله در حکومت ایجاد شده است. برای بهره‌گیری از این انرژی باید طرحی منسجم، مسئله‌محور، آینده‌نگر و تقویت‌کننده بازدارندگی مردمی ارائه شود؛ در غیر این صورت این انرژی به ناامیدی و بحران‌های عمیق‌تر خواهد انجامید.

مراجعه به آرای مردمی و احیای بازدارندگی

راهکاری که می‌تواند در شرایط حاضر، سرمایه اجتماعی به وجود آمده را به صورت روشمند و علنی، دست‌مایهٔ بازیابی توان حل مسئله و تقویت بنیان امنیت ملی قرار دهد و در اسرع وقت سطح جدیدی از بازدارندگی را برای کشور احیا کند و هزینه مواجهه نظامی با ایران را در افکار عمومی دنیا بالا ببرد، استفاده از ظرفیت همه‌پرسی مطابق با اصول مندرج قانون اساسی است.

همه‌پرسی معمولاً معطوف به یک سوال انجام می‌شود، اما در اینجا چون هدف، گردهم‌آوردن طیف‌های مختلف مردم با دغدغه‌های گوناگون حول یکدیگر است، بهتر است ترکیبی از چند سوال مختلف، برای فراخواندن طیف‌ها و گروه‌های مختلف مردم در همه‌پرسی مورد استفاده قرار گیرد.

این طرح می‌تواند به این صورت اجرا شود که در مرحله نخست رئیس‌جمهور پیشنهاد دهد تا هفته پایانی خرداد را به مناسبت از خودگذشتگی مردم و جان‌فشانی نیروهای مسلح برای ایستادگی تاریخی در برابر دشمن متجاوز به وطن، به نام «هفته پاسداشت وطن» وارد تقویم رسمی شود و پس از تایید رهبر جمهوری اسلامی ایران، اعلام شود که حکومت ایران برای تقویت بنیان امنیت ملی و اتکای بیشتر به نیروی مردم می‌خواهد به صورت مستقیم آن‌ها مراجعه کند و برخی از مسائل موجود را با کمک آن‌ها حل کند و تاریخ برگزاری آن در سال ۱۴۰۴ اعلام شود. سپس از همه مردم با تمام گرایش‌های سیاسی در ایران و خارج از ایران دعوت شود تا در یک گفتگوی عمومی درباره این چهار موضوع شرکت کنند و همه مردم را به مشارکت در تعیین سرنوشت خود و حل مسائل کشور تشویق کنند.

سوالات پیشنهادی برای همه‌پرسی همراه با شرح مختصری درباره هر سوال در جدول آمده است.

شماره	متن سوال	گزینه‌ها	شرح
۱	آیا با افزایش بودجه نظامی برای توسعه برای تقویت توان دفاعی ایران در مقابله با تجاوزهای اسرائیل و آمریکا موافقید؟	۱. بله ۲. خیر	با پاسخ به این سوال میزان همبستگی و اراده مردم در برابر نیروی متجاوز به صورت رسمی و علنی به دنیا نمایش داده می‌شود و فصلی جدید از امنیت ملی در ایران و منطقه آغاز خواهد شد.
۲	آیا عدم پوشش موی سر زنان در ایران باید در قانون جرم تلقی شود و کسی به خاطر رعایت نکردن آن مجازات شود؟	۱. بله ۲. خیر	با این سوال یکی از بحران‌های اجتماعی مهم در سال‌های اخیر که حل آن ساده‌تر از موضوعات دیگر است - به عنوان نمونه - تعیین تکلیف می‌شود و طیف گسترده‌تری از مخالفین سیاسی نیز برای شرکت در همه‌پرسی انگیزه خواهند داشت.
۳	آیا موافقید تا دولت برای تغییر نظام گزینش و احراز صلاحیت لایحه‌ای تقدیم مجلس کند؟	۱. بله ۲. خیر	این کار نخستین قدم دولت برای مواجهه با مسئله ناکارآمدی و نفوذ است و پاسخ به آن انرژی زیادی به دولت می‌دهد تا این ماموریت خطیر را آغاز کند.
۴	به نظر شما آیا قانون اساسی ایران در روزگار حاضر نیاز به اصلاح و بهبود دارد؟	۱. بله ۲. خیر	این سوال می‌تواند دریچه‌ای رو به آینده باشد و راهنمایی برای آغاز دوران جدیدی از حل مسئله، کارآمدی و پیشرفت در کشور باشد.

در مرحله بعد لازم است قبل از این همه‌پرسی، رئیس‌جمهور از قوه قضاییه درخواست کند تا تمامی کسانی که با اتهامات سیاسی در زندان یا حصر هستند آزاد شوند یا دست کم تا تاریخ برگزاری همه‌پرسی مرخصی بگیرند تا بتوانند آزادانه در گفتگوی عمومی درباره موضوعات همه‌پرسی شرکت کنند. مهم‌ترین هدف در این همه‌پرسی مشارکت گسترده و بی‌سابقه مردم - در مقایسه با تمامی انتخابات‌های قبلی - و ارائه الگویی جدید از اتکا به مردم و حل مسأله برای شروع فصلی تازه در تاریخ کشور است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

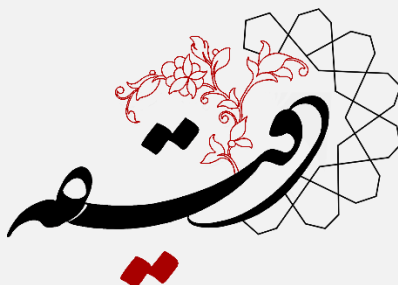
ایده وفاق برای بلوغ و تکمیل نیاز به ارائه چهارچوبی برای حل دعوای سیاسی و بازیابی توان حل مسأله در حکومت دارد وگرنه کشور را بیش از پیش در ورطه دعوای سیاسی فرو می‌برد و بنیان امنیت ملی را با مخاطرات بیشتری مواجه می‌کند. وضعیت کنونی به هنر سیاستمدار برای نقش‌آفرینی و ارائه راه حل‌های مشخص و متمایز نیاز دارد.

ممکن است تصور شود پیش کشیدن ایده‌های متمایزی مثل همه‌پرسی برای ایجاد تغییر در سیستم، در شرایط جنگی خطرناک است و باید از آن‌ها پرهیز شود. اما نباید از یاد برد که ایران تجربه چنین تغییراتی را در شرایط جنگی به مراتب سخت‌تر از این دارد. در سال ۱۳۶۰ در شرایطی که بخشی از خاک ایران در اشغال ارتش عراق بود، حکومت هنوز نوپا بود و دعوای داخلی نیز با شدت زیادی جریان داشت، فرماندهی کل قوا تغییر کرد و حزب جمهوری اسلامی طرح عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور در مجلس را به رأی گذاشت و پس از آن ساختار فرماندهی جنگ نیز چند بار تغییر کرد.

در میدان نبرد، طرفین مهم‌ترین داشته‌های خود را به کار می‌گیرند تا پیروز شوند. ما هنوز یکی از مهم‌ترین داشته‌هایمان - یا به زعم بسیاری مهم‌ترین داشته‌مان - یعنی اتکا به نیروی مردم را در صحنه‌ای که به وجود آمده به طور کامل کار نگرفته‌ایم. این تهدید جدی‌تر از آن است که با تمامی توانمان وارد میدان نبرد نشویم.

نسخه تفصیلی و منابع:

d-mag.ir/p20986



d - m a g . i r